

# سامان سیاسی در جوامع در حال دگرگونی

(ساموئل هانتینگتون)

جلسه پنجم

سامان کریمی

## نوسازی

نظام سیاسی:  
اصلاح اجتماعی  
و اقتصادی  
با عمل دولتی

جذب نیروهای اجتماعی مولود نوسازی به داخل نظام  
آگاهی اجتماعی نوین مولود نوسازی

$\alpha$  پراکندگی قدرت       $\alpha$  تنوع سازمانی      پیشنهاد نوآوری های سازمانی  
اقتباس

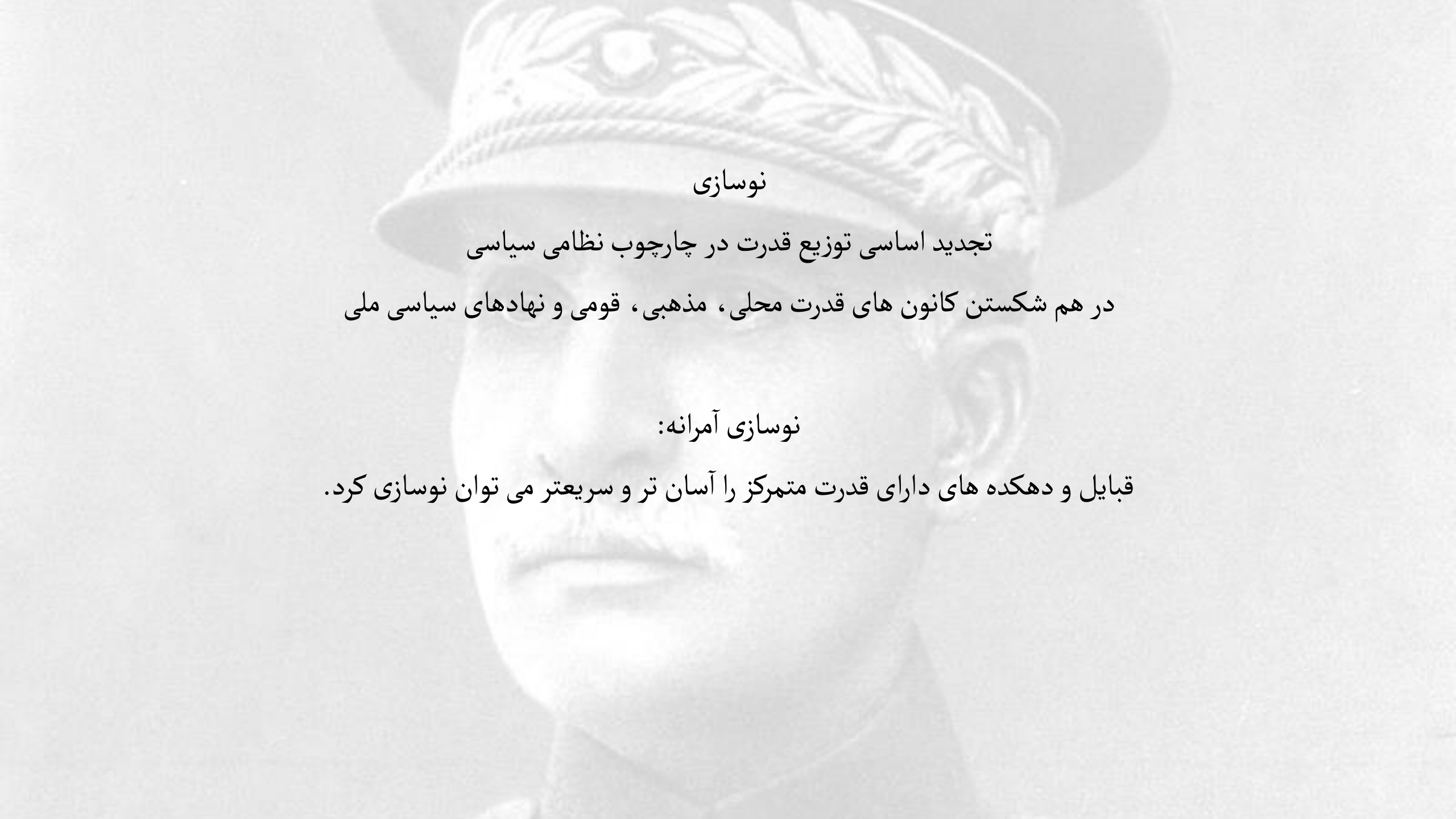
# پراکندگی قدرت

قدرت در کشورهایی که پیشتر به نوسازی روی آورده اند پراکنده تر بوده است.

بریتانیا، اروپای غربی و ایالات متحده

نوسازی نوآورانه  $\alpha$  پراکندگی قدرت

نوسازی تبعی (متاخر تر): نوآوری کمتر و اقتباس بیشتر  $\alpha$  قدرت متمرکز تر



## نوسازی

تجدید اساسی توزیع قدرت در چارچوب نظامی سیاسی

در هم شکستن کانون های قدرت محلی ، مذهبی ، قومی و نهادهای سیاسی ملی

نوسازی آمرانه:

قبایل و دهکده های دارای قدرت متمرکز را آسان تر و سریعتر می توان نوسازی کرد.

جذب گروه های تازه: گسترش دامنه قدرت نظام سیاسی

نوسازی

آگاهی گروهی

تقاضای اشتراک در نظام سیاسی

جذب: آزمون نظام سیاسی

جذب گروه های تازه ساده تر است تا گروه های قدیمی

تطبيق پذیری گروهی + پذیرش نظام

نمونه: مجلس ششم، انجمن اسلامی دانشجویان

توانایی جذب گروه ها: گسترش دامنه نفوذ  
توانایی تولید قدرت

نظام نوین: اشتراک سیاسی بیشتر < قدرت بیشتر

| زیاد                              | کم  | قدرت    |
|-----------------------------------|---|---------|
| دیکتاتوری توتالیتر<br>(پهلوی اول) | امپراطوری دیوانسالار<br>سلطنت مطلقه<br>(قاجار)  | متمرکز  |
| دموکراسی قانونی<br>(اروپای امروز) | فئودالیسم<br>ساختارهای هرمی<br>(اروپای تئودوری) | پراکنده |



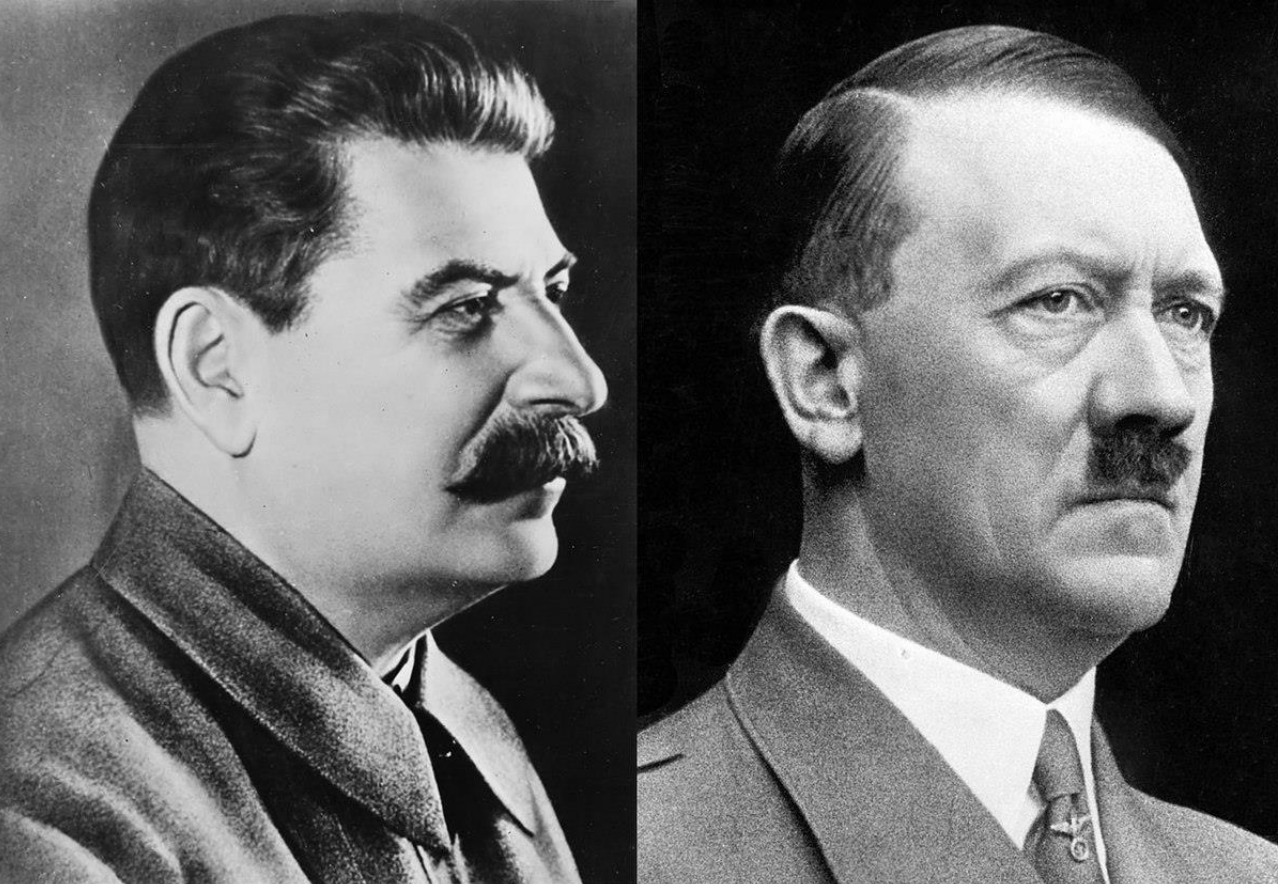
نگاه به قدرت:

آمریکایی: Zero-sum

سوسیالیستی/اروپایی: قدرت چیزی است که باید آن را بسپج کرد،  
پرورانید و سازمان داد.

## مسائل مبتلابه یک نظام سنتی فئودالی برای نوسازی:

1. عدم تمرکز قدرت ضروری برای ایجاد دگرگونی در جامعه و اقتصاد سنتی
2. گسترش قدرت در نظام برای جذب گروه هایی که به تازگی وارد صحنه اشتراک سیاسی شده اند (آفرینش یک نظام نوین)



گهگاه: دیکتاتور مردم پسند، رهبر  
فرهمنند، یک دسته نظامی

تولید و تمرکز قدرت



موقتی: پراکندگی قدرت در میان نیروهای  
گوناگون اجتماعی دوباره جای آن را می  
گیرد و بی علاقتی مردم به نظام سیاسی و  
بیگانگی از آن باز رخ می نماید.

# تمرکز و در نتیجه نوآوری پیشبرد و گسترش و ادغام گروهی

جذابیت نظام تک حزبی: هر دو را به پیش می برد

مکزیک، تونس، کره شمالی و جنوبی  
شوروی، چین، آلمان نازی، اعراب، ایران

دو حزبی محدود: کلمبیا، ایران

شهریار و خدمتگزارانش: عثمانی، ایران (دیوانسالار)

شهریار و اشراف: اروپا (فتووالی)

## نظام های دیوانسالار:

قدرت متمرکز، اخذ مالیات، دستگاه نظامی سرکوب، اقتدار سلسله مراتبی و هرمی، تحرک اجتماعی زیاد مالکیت زمین از آن پادشاه است.

---

## نظام های فئودالی:

قدرت پراکنده است.  
مالکیت زمین متکثر است.  
پادشاه مرجع مشروعیت و اقتدار است.  
پیشینه قدرت اشراف مستقل است.

## نقش شاه

### در هر دو سیستم سنتی: سلطنت و حکومت

| نقش شاه  |  | ساختار سیاسی      |
|--|--|-------------------|
| منفعل  | فعال   |                   |
| کره<br>ژاپن عصر میجی<br>تایلند<br>ایران مشروطه | امپراطوری رم<br>اتیوپی<br>چین<br>ایران قاجار/پهلوی | دیوانسالار متمرکز |
| ژاپن عصر توکوگاوا                              | اروپای قرون وسطی                                   | پراکنده فئودالی   |

| نوبین                   | سنتی                             |                    | کارکرد اصلی شاه          |
|-------------------------|----------------------------------|--------------------|--------------------------|
| پارلمانی                | حاکم                             | الیگارشیک          |                          |
| سلطنت                   | حکومت و سلطنت                    | سلطنت              |                          |
| مردم                    | سلطنت                            | سلطنت              | مرجع اصلی مشروعیت        |
| کابینه، احزاب و پارلمان | سلطنت، دیوانسالاری، ارتش و احزاب | ارتش و دیوانسالاری | مراجع عمده اقتدار کارآمد |
| گسترده                  | محدود تا متوسط                   | محدود              | پهنه اشتراک سیاسی        |



نظام سنتی عثمانی:  
پراکندگی قدرت میان سلطان، وزیر اعظم و  
نظامیان، دیوانسالاران و روحانیان

ناکارآمدی دودمان:  
جایگزینی یک دودمان دیگر  
برچیده شدن کلی سلطنت

مساله اصلی در سیستم های سنتی سوق دادن دیوانسالاری  
سنتی به سمت اصلاحات نوسازانه است.



## نوسازی مقتدرانه:

همه قدرت هایی که از وراثت، سنت، عرف یا رضایت مردمی و محلی سرچشمه گرفته اند می بایست سرکوب شوند و قدرت سلطان تنها مرجع اقتدار باشد.

1. انتقال قدرت از گروه های محلی و اشرافی و مذهبی به نهادهای ملی و دنیوی مرکز
  2. تمرکز اقتدار در دست فرد واحد در درون این نهادها
- (انقلاب سفید)

## دیوانسالاری سنتی: بلای جان نوسازی

بیشتر کشورهای سلطنتی نوسازی شده چندین شاه نوساز پی در پی داشته اند.

اصلاحات نظامی و اداری هم ابزار و هم محرک دگرگونی هاست.

نیروهای عمده در جامعه سنتی:  
شاه، کلیسا، اشرافیت زمیندار، ارتش، دیوانسالاران

شاه نوساز: جلب نظامیان و دیوانسالاری بر ضد مراجع مذهبی و  
زمینداران (انقلاب سفید)

## مثال هایی از ممانعت های سنتی در مقابل نوسازی:

- شورش اشراف بلژیکی ضد اصلاحات نوسازانه ژوزف دوم
- آلکساندر دوم در روسیه ۱۸۵۰
- سلطان عبدالمجید عثمانی در ۱۸۳۹ (تنظیمات) – مخالفت نامیک کمال مونتسکیوی
- مشروطه ایران: رضاشاه و انقلاب سفید
- تناقض ذاتی: سلطنت خود نهادی سنتی است و اصلاح کارویژه اصلاح طلبانه

## منابع حمایت شاه مصلح برای نوسازی

1. نظامیان و دیوانسالاران (دشمن اشرافیت)
2. طبقه متوسط (بورژوازی) <sup>۲۳۸</sup> (نوعاً دشمن شاه)
3. توده مردم (دور زدن شیوخ و دستگاه های اداری سنتی) – فطر از دست رفتن فرودستان (انقلاب سفید و انقلاب اسلامی)
4. کشور بیگانه

# از توجه شما متشکره

[sasankarimi.ir](http://sasankarimi.ir)